



# روزنامه رسمی کشور شاهنشاهی ایران

شامل کلیه قوانین مصوبه و مقررات - گزارش کمیسیونها - صورت مشروح مذاکرات مجلس - اخبار مجلس - انتصابات - آگهی های رسمی و قانونی

شماره ۳۳۴۳      ۵ شهریور ۱۳۴۵      سال دوازدهم

شماره مسلسل ۲۲۰  
دوره هجدهم مجلس شورای ملی

## مذاکرات مجلس شورای ملی

جلسه ۲۲۰  
صورت مشروح مذاکرات مجلس صبح روز ۴شنبه  
بیست و سوم اسفندماه ۱۳۴۴  
فهرست مطالب :

- ۱ - بقیه مذاکره در لایحه بودجه کل کشور
- ۲ - تعیین موقع و دستور جلسه بعد - ختم جلسه

مجلس دو ساعت و نیم بعد از ظهر قبل از ظهر ریاست آقای  
امان الله اردلان (نایب رئیس) تشکیل گردید

**نایب رئیس** - صورت غائبین جلسه  
قبل قرائت میشود.  
(شرح زیر خوانده شد)  
غائبین با اجازه آقایان : دکتر  
جزایری - تفضلی - میراشرافی - صادق  
بوشهری - فرود - رضائی - عبدالرحمن  
فرامرزی - نصیری - ثقة الاسلامی - قرشی  
پناهی - قنات آبادی - بدالله ابراهیمی  
صدقی - موسوی - عباسی - سلطانی  
سرمد - شادلو - دکتر پیرنیا - کیخاوسی  
بهادری - بزرگ ابراهیمی - عاملی - اورنگ  
اردلان - دکتر پینا - پیراسته - یارافشار  
عربشیبانی  
غائبین بی اجازه آقایان : خزیمه علم  
قوامی - مهتدس شاهرخ شاهی - درخشش  
امیدسالار - اعظم زنگنه - پورسرتیب  
دیرآمدگان و زود رفتگان بی اجازه  
آقایان : امیر تیمور کلالی - سنندجی  
**۱ - بقیه مذاکره در لایحه  
بودجه کل کشور**  
**نایب رئیس** - در صورت مجلس

نظری هست ؟ (اظهاری نشده) بقیه دستور  
جلسه قبل شروع میشود آقای سائری زاده  
**حائز اده** - بیشتر معمول این بود  
من نمیدانم معمول هاهم کم کم دارد از بین  
میرود ، که موقع طرح بودجه مملکتی  
هیئت دولت باید اینجا حضور داشته باشد  
اما حالا یواش یواش نخست وزیر هم نیست  
و ممکن است بحضور معاون نخست وزیر  
قناعت شود . یکی از مطالبی که من دیروز  
صبح عرض کردم و خیال میکنم در خارج  
سوء تفاهمی ایجاد شده است موضوع قشون  
بود مطالبی که من راجع بقشون عرض  
کردم ، اگر حمایت از قشون نبود علیه  
قشون هم نبود این جوانهایی که باید ببردشان  
خدمت نظام ما اگر بهداریمان را درست  
نکنیم سرباز علیل ورنجور بچه دردملک  
میخورد ؟ من گفتم شما بودجه بهداری را از  
۱۳۳۳ تا بحال یک ششم بودجه قشون را  
دو مقابل بیشتر بالا بردید . این تناسب ندارد  
باید بهداشت را درست کرد ، شکم مردم

را سیر کرد ، تا برای دفاع مملکت همه حاضر  
باشند . این کمک بوده است و مخالفت  
نبوده است یکی هم راجع باین قسمت هواپیما  
های شکسته یکی از دوستان من می گفت  
که یک دره ای در امریکاست باسم دره  
مرك هواپیما که هواپیما را روزی که از  
کارخانه بیرون می آید معلوم می کنند که چند  
ساعت حق پرواز دارد وقتی که این ساعت  
پروازش تمام شد بگر خطر مرك دارد و این  
زاد در آن دره مرك هواپیما و اش میکنند  
حالا گویا مملکت ما دره مرك هواپیما  
شده است که هواپیماهای اسقاطی را می آورند  
و جوانهای ما را می بکشند میدانند باید  
دولت در این قسمت ها دقت کند مراقبت  
بکنند مردم قیمت دارند ، هواپیما یک شاهی  
نمی ارزد دولتی مردم قیمت دارند گوشت اگر  
بشری رویش نباشد که از آنها استفاده کنند  
یک شاهی ارزش ندارد ، بشر است نه قیمت  
دارد در مملکت ما من شنیده ام صحبت  
حالا نیست ، اسب مجاز قیمتش از صد تا  
سرباز بیشتر بوده است که اگر ناخوش  
میشد بیطار داشت دو داشت و اگر معالجه  
نمیشد مؤاخذه میشدند که چرا مریش شده  
است بولی صد تا سرباز می مردند و گزارش  
میدادند که اینها مردند و کسی هم  
نمی گفت که چه شده است میرفتند صد نفر  
دیگر میگرفتند می آوردند این غلط است  
بشر قیمت دارد بشر ایرانی قیمت دارد در  
حوادث دنیا ملل جنگجوی جهان همیشه از  
دیگران مایه میگذارند انگلیس ها ، طور  
که مادر عمر خودمان تماشا کردیم سربازان  
خودشان را خیلی کم میدان می آوردند  
بیچاره هندی هادر فروت ها کشته می شدند  
حالا هندی ها العمده الله از زیر بار و یوغ  
آنها صورت تابیرون آمده اند و حالا بیمان درست  
شده است که جمعی دیگر را میاندازند با تش  
و من يك مصاحبه مطبوعاتی که اینجاست  
وزیر خارجه انگلیس آمده بود اینجا  
درست دقت نکردم ، شنیدم که خیلی چیز  
های زنده ای تویش بوده است اگر وقت  
کردم انشاء الله يك روزی در مجلس وقت

می خواهم که صحبت کنم . این موضوع  
ایهام یا سوء تفاهمی که بود خواستم توضیح  
بدهم که در این طیارات قشونی ما باید دقت  
بشود تا اینکه خواسته باشند که بسبب بونی  
بگیرند و يك مشت طیاره اسقاطی را بزنند  
این جوانهای تحصیل کرده واز کار درآمده  
ما را قتل میکنند . این باید مراقبت بشود  
شرکت های هواپیمایی برای اینکه  
مشتری ها بیشتر جلب اعتمادشان بشود  
سمی می کنند که هواپیماهای خوب تهیه  
کنند اگر نکنند مردم سوار نمیشوند بولی  
طیاره های قشونی است که جوانها را و سرباز  
ها را مجبور می کنند سوار بشوند و بپرت بشوند  
در دره مرك مملکت ما دره مرك شده است  
یکی از مسائلی که من دیروز گفتم يك  
تبصره ای بود اینجا تبصره ۱۶ که در لایحه  
دولت تبصره ۱۳ بود اینجا شده است تبصره  
۱۶ آنجا اسم داشت و من نمی شناختم و یا  
به بندی می شناختم . در این تبصره ۱۶  
بی اسم کرده بودند من باجناب وزیر است و  
تلفکراف که بیرون رفتم راجع بان یک نفر  
خودشان صحبت میفرمودند من خیال میکنم  
محتاج نبوده است که این تبصره باشد ،  
ایشان میفرمودند که يك شخصی است تحصیل  
کرده و از وزارت جنگ انتقال پیدا کرده  
است بوزارت پست و تلفکراف در سال ۱۳۲۰  
بموجب ماده ۱۲ قانون متمم بودجه وزارت  
پست و تلفکراف اجازه داده شده و کسانی  
را که در سال ۱۳۰۵ از وزارت جنگ بوزارت  
پست و تلفکراف و تلفن منتقل شده اند  
مطابق قانون استخدام کشوری بخدمت  
رسمی پذیرفته شده اند و باین اداره آنها  
به میزان آخرین حقوق ثابتشان بوده  
و چون این شخص در آن موقع بخرج  
وزارت پست و تلفکراف در اروپا برای تکمیل







(فراموشی) اعتبار رسمی غیر از احترامات لغوی است تعارفات لغوی را همه کس و همه جا می کنند ( این را بدو برای مسموم کردن افکار حالا چه مصدق باشد چه غلاباشد چه من باشم فرق نمی کند از این بگذر اجتماع برای تبلیغ سوء استفاده میکنند حتی در اعلان موضوعی رامی خواهم عرض کنم اخیراً یکی آمده بود پیش من و گفت يك دروغی بنا سبب داده اند در روزنامه رفتن برادریو گفتم مایول میدهم که این را تکذیب کنید قبول نکردند این خیلی بد است که به حیثیت و شرافت مردم دستگاه حکومت حمله میکنند و وقتي طرف می خواهد دفاع بکند زبانش همین را بدو است نمیکند از دفاع بکنند چرا که هم نجابی و معرمانه می کنند اسناد را هم هر جور میخواهند میسازند . این درست نیست باید اصلاح شود اینها را روی هم که میگن از يك ساز نسا موزونی از توش در میآید جدا جدا يك چیزی است برادریو برای خودش يك دستگاهی است اهلانش میدهند آزاد است يك دستگاه قشونی هست که برای خودش دوسه سازی میکند و کارهای دیگر میکند رویهم که میگن از يك ملت تحت فشار واقع میشود فرادش بلند میشود و بالاخره يك روزی منفجر میشود باید يك راه نفس کشی برای مردم گذاشت من این دوره که در انتخابات شرکت نکردم نرفتم رأی بدهم و شرکت بکنم؛ در دوره های پیش که شرکت میکردم می گفتم در مجمع که آقایان من وعده هیچ اصلاحاتی نمی توانم بشما بدهم . من فقط يك سوت خطر می خواهم بود برای شما من وقتی که يك خطری احساس کردم سروردا راه میاندام فریاد میزنم که آقایان وضیعت مملکت را بخاطر باندازد بدیقتی است . ولی من نمی توانم اصلاح بکنم؛ اصلاح قوه و نیروی می خواهد . یکی از اشکال هائی که مصدق وارد بود درمبارزهای که راجع بنفت با انگلیس ها در مجلس پانزدهم که ایشان نبودند و شروع شد و ایشان بعد آمده ادامه دادند و بسیار خوب کار کردند تا وقتی که تشخیص دادند که ایشان نمی توانند کار را ببندند تا آنوقت خوب بود آنوقت که دیگر کنار رفتند تشخیص دادند که نمی توانند این زنک را بگردن کره ببندند کنار رفتند و مملکت رسید به روز ۲۸ مرداد این تکه اش بدو بود باید مقرض کنند این تکه اولش را از آن تکه اش بنفهم مملکت قدم هائی برداشته شد ولی آنوقت که از مسافرت خارج برگشتند و تشخیص دادند که دیگر کاری ساخته نیست من همیشه در زندگی فکر میکنم کاری که از من ساخته نیست نکند جناب آقای ناصر ذوالفقاری آن روز

و کین بودند در مجلس وقتی که برای ملی شدن نفت اقدام میکردیم در کسب و بندم بودیم در خارج چه سرو صدا هائی بود برای اینکه آن قرارداد های شوم ۱۹۰۱ و ۱۹۲۱ را می شکستیم برای این که آن موقع انگلستان بسیار ضعیف بود و مثل حالا قوی نشده بود و اگر ایران روی نقشه عاقلانه اقدام بر داشته بود متأسفانه بسیار زودتر هم عاید میشد این عمل را کردیم وقتی این قانون گذشت و بر حسب شناخته شد يك کمیسیون خواستند تشکیل بدهند و قانون و اسناد ما را تشکیل بدهند همین آقای ناصر و داداشان بن گفتند که تو برو توی کمیسیون گفتم از من ساخته نیست چون من آن قسمت را منقبض رامی فهمیدم رفتیم و گفتم کسانی که داوطلب هستند بروند دنبال آقایان اصرار کردند گفتند مابو راغب تر هستیم رأی بدهیم که در کمیسیون تنظیم اسانامه نفت شرکت نکنیم من گفتم وارد نمی شوم جناب بیخشد چون محکوم شده جنابش را حذف میکنم دکترو مصدق چون از رفتارشان راضی نبودم مدتی بود خدمتشان نمی رسید يك روزی بمن تلفن کردند که مدتی است تراندمام بیام خدمتشان رفتم گفتند ما میخواهیم برویم بمسکه اروا راجع بکار نفت توهم بیا برویم ایشان خیال کرده بودند پیش خودشان فکر کرده بودند که مسافرت آمریکا که کرده بودند من توقع داشته ام و مرانبرده اند نمیدانم چه فکر کرده بودند گفت کاری از من ساخته نیست برای اینکه من به زبان آنها آشنا هستم و نه با آداب و رسوم آنها پرسیدم سفرها را اونجا پرسیدم دیدم نمایندگان هستند که خوب نیستند و اطینانی بآنها نیست گفتم من میرض هستم و برای مالمچه هم باید بروم بخارج ولی این مسافرت فایده ای برای مملکت نخواهد داشت چه فایده ای که من بیایم وجه کاری من میتوانم انجام بدهم ایشان گفتند که آنجا رفت بشود شما هم آنجا باشید گفتم این چه حرفی است مرز بند هر کاری که می خواهد بکنید شاه رجور که اصلاح بکنید من موافقم من هم اطلاعات فنی ندارم که نظرفنی من برای شما مفید باشد گفتند پس خوش میکنم این را بروی و نشوید برای اینکه خیلی ها میخواهند همراه من بیایند ولی من نخواستیم ببرمشان اینرا بهیچ کس مگو کسی که کار فنی ازش ساخته نیست نباید داوطلبش بشود دکترو مصدق آنوقت که از اروا و آمریکا برگشت دید که نمی تواند این ماشین را بیچ و مهره اش را برویم سوار کند صلاح بود که برود کنار (شوشتری این صلاح حال عقلاست ) منتهاش او کتار نرفت و مملکت بخسارت های بزرگی رسید که ما هنوز عکس العمل آن قضیه را گرفتار این فزاین بازی هاستیم

این عکس العمل آن رویه است این آقای ناصر رفیق معترم ما آقای ذوالفقاری ایشان که تارادریو راعده دستند بقیه من اگر مطالعه کنند این را از دستگاه دولتی خارجش کنند بشود يك دستگاه کسی مثل روزنامه ها روزنامه ها که مال مردم دولت است خودشان هم نمی نویسند اگر هم بنویسند آن مجرم عملی خان هست مجرم عملی خان است حکمی است آن میروند هم بن ندانیم راهم بگذارند دست مردم خودشان اداره کنند يك جاهائی که مخالف مصالحشان هست جلو گیری کنند بهتر از وضع حال است بگذارید يك نفس کشی مردم داشته باشند شما سعی کنید برای مردم جای نفس کشی بگذارید که خسته نشوند و الا يك انفجاری پیدا میشود که بضرر همه ما تمام میشود راجع باین درآمد شهر بانی و گذر نامه ها و متفرقه يك داستان مضحکی عرض می کنم بعداً وارد مطلب میشود آن وقت هائی که من و کبل بزدی ها بودم يك موقعی که فرصتی میشد سفری میرفتم بیزد و بامو کاین خود تجدید دیداری میکردم . آنجا يك جناب دکتري بود که هنوز هم حیات دارد پیر مرد است . آمدم پیش من که يك حکمی بمن دادند که تو دکتري نداده اند شاه پیر سيد چرا حقوق مرانید هندی نظرم نیست که مرحوم سيد الملك فرماندار بزرگ بود کی بود باو گفتم این آقای بگويد من دکتري شهر بانی هستم و شهر بانی و پليس ها بمن مراجعه نمیکند که طبایشان بکنم و حقوقی هم بمن نمیدهند او گفت که راست میگوييد برای اینکه اطباي دیگر هستند با آنان مراجعه می کنند برای اینکه با آنان اعتماد دارند و با ایشان اعتماد ندارند و مراجعه نمیکند حقوق او هم از عواید متفرقه است و عواید در کار نیست که ما بنفهم این آقا که آمد باو گفتم گفت من از عواید متفرقه پیشنهاد میکنم دو محل را پیشنهاد کرد حالا محل ها خیلی بود من درست اطلاع ندارم يك قمارخانه بود و يك قاشقه خانه بودی گفت فلان مبلغ را من حاضر بدهم عواید متفرقه ایست اینجا متفرقه دیدم یاد آنها افتادم شیر کش خانه ها هست قمار خانه ها هست نظيه عواید متفرقه اش چیست توضیح بدهید که ما بفهمیم که گرفتار حرف آن دکتري شوم (فراموشی) اگر آن عواید متفرقه جزو بودجه بیاید خوب است ( باسم بودجه نمیکنند ولی چرا در بودجه نباید از آقای وزیر دارائی شمایر سيد که رسیده بعنوان عوارض متفرقه چند ريبال رسیده خیال نمیکند که رقمی نشان بدهند ولی از زال محمد ها پیر سيد خیلی داده اند (عبدالرحمن فراموشی زال محمد گيست ) مال چهل پنجاه سال پیش است مال حالا

نیست بیکس مال گذرنامه است گذرنامه يك دکان کسب بوده از قديم آن دکان بسته نشده من نظرم است که در زمان شاه سابق اشخاص میسازند در ولایات گذر نامه می خواستند قديم بودند بنده اند ولی يك دلال هائی بودند که این دلال ها بول میگرفتند و بوسيله آنها حمل میشد (شوشتری - زمان آیرم) حالا زمان کمی بودند بنده این دلال ها بودند دارای زرنگی آبرومندی هم شدند حالا هم جزء محترمین مملکت هستند این دستگاه آنگور هایش عوض شدند والا دستگاه بهم بخورده است ممکن است دلال ها عوض شده باشند ولی دستگاه هم رادرمی آورد یکی از کارمندان مجلس با دیگری داستان تذکره اش را میگفت حالا باید از خودش توضیح بخواهید من اطلاع صحیحی ندارم من اطلاعی که دارم راجع بتذکره خودم دارم من يك تذکره ای گرفته بودم که بروم به هندوستان وزارت خارجه هم نوشته بود سفارت هندوستان و پاکستان هم نوشته بودند که من بروم يك موضوعی پیش آمد و من نرفتم فکر کردم ایام عید را بروم بعیت مشرف بشوم و يك سلامی باجداد خود کرده باشم منتهاش هنوز نداده اند حالا چطور دودستگاه هست نمیدانم . نظيه و وزارت خارجه اینها پیش نظيه می رود من قديم نظرم است درسی سال پیش با وزارت خارجه بود کار گزاران در ولایات میدادند من در مشهد می خواستم از خط روسیه بیایم بهران آنجا رفتم کار گذاری وزارت خارجه و تذکره گرفتم و اینکار بیشتر رابطه با وزارت خارجه دارد تا شهر بانی این دکانی است که بسته شده منتهی عوامش تغییر پیدا کرده اند یکی نجیب تر است یکی نانجیب تر است یکی دست و پایش بیشتر است یکی دلال کمتر دارد یکی بیشتر دارد و این دکان بسته نشده است اگر چه وزارت خارجه مامم يك وزارت زنک زده ای است که اگر يك تذکره بخوانند بنویسند و بنده این طول و تفصیل و بمرض مقام وزارت برسد خواهد داشت من می ترسم باز همین احتیاجات پیدا بشود ولی بیشتر چون آنجا بود در آن موقع اطلاع نداشتم یا با نظر نبود که مردم اینچور در زحمت باشند برای تذکره و وزیر این حرف ها از وقتی که بدست شهر بانی آمده مردم گرفتار ایشان بیشتر شده است حالا نمیدانم با عرض شدن رئیس شهر بانی هم کار درست متفرقه جزو بودجه بیاید خوب است ( باسم بودجه نمیکنند ولی چرا در بودجه نباید از آقای وزیر دارائی شمایر سيد که رسیده بعنوان عوارض متفرقه چند ريبال رسیده خیال نمیکند که رقمی نشان بدهند ولی از زال محمد ها پیر سيد خیلی داده اند (عبدالرحمن فراموشی زال محمد گيست ) مال چهل پنجاه سال پیش است مال حالا

من نمی دانم مدتی که خود دولت مستقیماً عمل میکند مقصودش است یا آن عواید را وزارت دارائی جمع می کند ؟ وزارت معادن جمع میکند و تجزیه میدهد؟ با این عوایدی که آنجا نوشته است این جواز هائی است که برای استخراج معدن داده میشود که يك کمی کشف معدن است که گیلان و مازندران باشد آبادی هایش متصل بهم است و همه جا استعداد آبادی را دارد ولی جا های دیگر ایران شترانه هائی دارد با تلاق هائی دارد اینها را مثل اروپا نمی شود جمع و جورش کرد این است که باید برای حمل و نقل این جاها مخصوصاً وسیله طیاره باشد همه جا فرود گاه های خیلی خوب میشود تهیه کرد و طیاره های کوچکی برای حمل و نقل از شهرستان ها بیکدیگر و دولت کمک خرج هم بدهد که حمل و نقل در داخله کشور بوسيله يك طیاره هائی بشود این عایداتی که نوشته شده است عایدات مخصوصی است ۱۹۰ هزار تومان است این چه پولی است اگر از اینها پولی میگيرند اینكه غلط است باید کمک بکنند برای توسعه حمل و نقل نه اینکه مالیات رویش بگذارند و در ستون خرج عمل کنند اگر يك خرجی نوشته اند برای هواپیمايی موافق هستم که فرود گاه ها را تعمیر بکنند و وسیله کنترل هواپیماها باشد که هواپیما ها آن ساعتی که در کارخانه معلوم شده است اینها زیادی کار نکرده باشند که باعث تلفات باشد همین شکل که این نظامی هائی که تلف میشوند بواسطه بی مالیاتی است مردم دیگر هم در زحمت نیفتند دستگاه اگر این جور باشد خوب است ولی عواید گرفتن از هواپیمايی هیچ بصره و صلاح مملکت نیست اینجا يك ستونی هست درآمد های مخصوصی که جمعا و خرچاً منظور میشود اینها خیلی از این عوایدی است که لازم بوده وارد بکنیم وارد نکرده ایم دیشب با جناب وزیر راه صحبت میکردم چون من نظرم بود که در دوره چهارم و پنجم قانونی گذشت که عواید راه آهن از رومیه و راه آهن آذربایجان اینها جمعا و خرچاً عواید خودش را برای تعمیر و نگاهداری خودش مصرف بشود دولت کمک اضافه ای نکند من پرسیدم که این رویه تا بجا بلرقرار است و ممکن است این راه آهن آذربایجان که از مرانه رده شده بتوانند این مشکلات را مرتفع بکنند که هم ضمیمه راه آهن مراغه بشود ولی هیچ انمی نداشت که در این ستون که بموجب تصویب نامه تعیین شده معلوم کنند که عواید راجه از مرانه راه آهن آذربایجان در سال چه مبلغ است و خرجش چه مبلغ است این را در این ستون نوشته که جمعا و خرچاً معلوم باشد عواید مملکت آنچه که راست است بنویسند حالا يك مشت دروغ هائی که در قدیم نوشته اند هنوز هم در برورنده بودجه مابقی است این را امیدوار هستم که بتدریج حذف بکنند ولی بودجه مملکتی که دخل و خرجش هست این حتماً باید نوشته شود بهر

خرج میدهد که اغلب نقاطی که در آنجا هست مسافر نشان بوسيله هواپیما هست فکر کردم دیدم که خیلی مضحک است برای اینکه در ممالک آفریقا و آسیا زمین های بایر و ولم بزرع هست مثل اروپا نیست که در ایران قطعه ای که بتوانیم پیدا بکنیم مثل اروپا از نظر طبیعت ، سواحل بجزرزد است که گیلان و مازندران باشد آبادی هایش متصل بهم است و همه جا استعداد آبادی را دارد ولی جا های دیگر ایران شترانه هائی دارد با تلاق هائی دارد اینها را مثل اروپا نمی شود جمع و جورش کرد این است که باید برای حمل و نقل این جاها مخصوصاً وسیله طیاره باشد همه جا فرود گاه های خیلی خوب میشود تهیه کرد و طیاره های کوچکی برای حمل و نقل از شهرستان ها بیکدیگر و دولت کمک خرج هم بدهد که حمل و نقل در داخله کشور بوسيله يك طیاره هائی بشود این عایداتی که نوشته شده است عایدات مخصوصی است ۱۹۰ هزار تومان است این چه پولی است اگر از اینها پولی میگيرند اینكه غلط است باید کمک بکنند برای توسعه حمل و نقل نه اینکه مالیات رویش بگذارند و در ستون خرج عمل کنند اگر يك خرجی نوشته اند برای هواپیمايی موافق هستم که فرود گاه ها را تعمیر بکنند و وسیله کنترل هواپیماها باشد که هواپیما ها آن ساعتی که در کارخانه معلوم شده است اینها زیادی کار نکرده باشند که باعث تلفات باشد همین شکل که این نظامی هائی که تلف میشوند بواسطه بی مالیاتی است مردم دیگر هم در زحمت نیفتند دستگاه اگر این جور باشد خوب است ولی عواید گرفتن از هواپیمايی هیچ بصره و صلاح مملکت نیست اینجا يك ستونی هست درآمد های مخصوصی که جمعا و خرچاً منظور میشود اینها خیلی از این عوایدی است که لازم بوده وارد بکنیم وارد نکرده ایم دیشب با جناب وزیر راه صحبت میکردم چون من نظرم بود که در دوره چهارم و پنجم قانونی گذشت که عواید راه آهن از رومیه و راه آهن آذربایجان اینها جمعا و خرچاً عواید خودش را برای تعمیر و نگاهداری خودش مصرف بشود دولت کمک اضافه ای نکند من پرسیدم که این رویه تا بجا بلرقرار است و ممکن است این راه آهن آذربایجان که از مرانه رده شده بتوانند این مشکلات را مرتفع بکنند که هم ضمیمه راه آهن مراغه بشود ولی هیچ انمی نداشت که در این ستون که بموجب تصویب نامه تعیین شده معلوم کنند که عواید راجه از مرانه راه آهن آذربایجان در سال چه مبلغ است و خرجش چه مبلغ است این را در این ستون نوشته که جمعا و خرچاً معلوم باشد عواید مملکت آنچه که راست است بنویسند حالا يك مشت دروغ هائی که در قدیم نوشته اند هنوز هم در برورنده بودجه مابقی است این را امیدوار هستم که بتدریج حذف بکنند ولی بودجه مملکتی که دخل و خرجش هست این حتماً باید نوشته شود بهر

مملکتی روی اعتباراتی که دارد نگاه می کنند بودجه ما ۱۹ میلیارد باشد یا ۵ میلیارد باشد در خارج يك نگاه دیگری باعتبار دولت ایران میکنند و او را خرج هائی داریم که باید در بودجه وارد بشود ندهد ۱۹ میلیاردی که کسرهاست نوشته ایم بقیه کسر نیست دخل و خرج میکند این را اگر می نوشتم ممکن بود که به پنجاه میلیارد برسد من جمله عواید نفت است راست است که قانون برای سازمان برنامه گذشته راست است که يك تکلیفی برای سازمان برنامه معلوم شده است که باید در ظرف هفت سال این کارها را انجام بدهد ولی همه ساله این کارها را که انجام میدهد باید دخل و خرچاً در بودجه باشد که ملت ایران همه ساله منوجه باشد که چقدر پول وارد خزانه شده است چقدر خرج شده است یکدقه است که این پول را در يك آب انباری میخواهند بریزند و يك شیرینی باز میکنیم بهر کی يك طشت میدهم يك وقت هست که يك مخزن خاصی برایش قرار داده ایم و هر دو باید حساب داشته باشد ولی اشکال اساسی که در ستون بودجه میبینم این است که آن عواید خرج هائی که بموجب قانون خاصی پیش بینی شده است بعضی اینها هست ولی بعضی نیست در آمد صاحبان دفاتر اسناد رسمی جمعا و خرچاً هم عایدات را پیش بینی کرده اند و هم خرجش را این جزو بودجه مملکت است بموجب قانون مخصوصی این عواید برای مصرف مخصوصی است و بموجب قانون خاص عواید نفت برای مصرف مخصوصی است چرا نباید در بودجه وارد صندوق شده است مطالب مجرمانه ای از نظر ملت ایران نباید باشد از حيث بودجه امور مملکتی منتهی چون قانون خاصی بوده جمعا و خرچاً حساب بیاید ، بکیش همان قسمت دریاچه ارومیه است یکی همان ممکن است چیزهای دیگری هم باشد که من تحقیق میکنم و بعرض آقایان میرسانم که اینجا پیش بینی نشده است مثلا این جا يك درآمد خاصه ای از عواید بترین و فروش اتومبیل جمعا و خرچاً آمده است مثلا يك چیزهای مهمی هست که بنام خیریه بود که چندی قبل من در يك هیئت خیریه بودم که مال شیر خوار گاه بود شهرداری درست کرده بود من يك سالی آنجا بودم وارد بودجه آن جا که شدیم دیدیم از این قبیل عوارض هست که بعضی ها درش بحث میکنند که بالاخره يك هیئت عمومی درست کردند و آقای علاء هم رئیس آن هیئت شدند اقا این خیریه ها را يك کاسه کنید حمایت مادران و مسولین و شاهنشاهی و ثروا و فلان اینها يك پولهای زیادی است که مملکت دارد میدهد یا بعنوان فروش بايق یا بعنوان مالیات گمرک است یا بعنوان شترین است اینها هم چچانی

اسمش نیست اینها را برای قسمت های مختلفی هم میدهند مگر اینها پول نیست که مردم میدهند پس اینها را جمعا و خرچاً توی این بودجه نمیتوانید بکنید که مردم بدانند چه پول هائی برای چه مصارفی خرج میشود وزارت بهادری يك بودجه ای دارد که جواز و برای خودش دل خودش را خوش میکند و من هم بعضی از مؤسسات را دیدم بدنبود که دکتر آشتیانی رئیس آن قسمت هست مال سازمان شاهنشاهی که دکتر استخدام میکند و بدرد بخورد اینها باید جمعا و خرچاً در بودجه مملکتی وارد بشود این چیزی نیست که مردم ندانند و معرمانه باشد .



بکنند موفق نشد ، در آن موقع من يك توضیحي خواستم رفتند يك صورت جزئی هم آوردند بعد پشیمان شده خوب يك مقاماتی است که باید بهتر باشد در اطراف کمیتر باشد صحبت شود این است که در این موضوع من صحبت نمیکند (احسن ) یکی هم مال بیوتات و باغات سلطنتی است دیده که يك تبصره ای در بودجه بود که يك زمینهای را در اطراف نیاوران میخواهند تقسیم کنند بین دربارها (فاندلی گرمی - همه ادارات استفاده کردند غیر از این ها) من موافق هستم این موضوع را که هر کس خانه ندارد باید دولت باو کمک کند زمین بآنان بدهد ، ساختمان هم بکند ، برایشان مسکن درست بکنند اما زمین تجاری بهشان ندهد حالا روی این زمینها قیمتی میگزارند ، من نمیدانم که قیمت آنها را قیمت بوسف آباد میگزارند ، باقیمت لاهزار و بیش میگزارند نمیدانم ، در هر صورت يك پولی از اینها یا نقد یا نسبه وارد صندوق دولت میشود این عمارتهای سلطنتی ، من صاحبخانه هنوز نتوانستم بروم چند دفعه دعوت داشتم راه دور بود وسیله هم نداشتم نتوانستم بروم ولی عمارتهای شهری را دیدم از اوایل قاجاریه که اینها را ساخته اند اینها همه محتاج تعمیر و مرمت است اینها اسباب آبروی مملکت است اینها را باید تعمیر کرد این مبلغی که بنام اداره بیوتات نوشته اند مال حقوق پرسنلی است یا مال تعمیرات و اصلاحات است ؟ این مبلغ نه میلیون و شصت و سی هزار ریال یا بی اداره بیوتات و باغات سلطنتی این اگر برای تعمیرات است کم است برای اینکه تعمیر بیشتر میخواهد ، این عمارات بعضی در حال انهدام است این عمارتهای کهنه کم کم دارد در و در آتار قدیمه را پیدا میکنند اگر چه من بیرون از آن وقت که رفتم در سالاراموزه یادم آمد آن موقعی که برای اعلیحضرت فعلی فرمان ولایت میدی را آنجا میخواهند دعوت کرده بودند چهار صد یا صد نفری که آنجا بودند از طبقات مختلف ، بنده هم آنجا بودم يك و کیلی داشتم و کیلی کلیدی ها که اسمش مسبو هابم بود که او را کشتند این هاب هم آنجا بود در آن قفسه جنوب غربی آنجا که تخت طاروس هست این طرف جنوبیش آن قفسه آخری در آنجا يك آفتابه لگن مرصع بود من که حقیقه و اینها حال نمی شود او اظهار عقیده کرد گفت اگر این آفتابه لگن را بدهند بمن من حاضر تمام این حاضرین را مادام العمر در امریکا خوش و خرم از شان پذیرائی کنم این آفتابه لگن آتروز نبود من آتروزی که رفتم توی آن قفسه نبود حالا بعد میاورند من آتروز که رفتم آنجا دیدم خیلی هم گشتم پیدا کنم ندیدم (معذرت میگویم) در بانک ملی است ) اگر در بانک ملی است که هیچ

خواستم بگویم این عمارتها مخزن اشیاء نفیسه ماست ، پشتش عمارت بیانی بود که خراب مقرر شده عمارت خوابگاه که عازت وزارت دارائی ساخته اند يك وقتی يك محاسب که بزرگی بود نمیدانم معصوم را با اشرافه که میگردد ، کمر را محاسب میگردد ، میگرد هم آنجا ماندیم چون می بایست رأی بدهیم توی همان اطرافها يك نقاشی های زیبایی من دیدم يك آتاری بود این را بکلی خراب کردند آتارش را معجز کردند ، اینها باید تعمیر و نگهداری بشود مال مملکت است (عبدالرحمن فرامرزی - آن نقاشیها حالا در کاخ رئیس جمهور هند است در سالن آنجا این نوع نقاشی دیده میشود) (عمیدی نوری - در موزه ایران باستان هست همانهایی که در محکمه جنائی ملاحظه فرمودید حالا در موزه ایران باستان است) خوب الحمد لله من عقیده دارم این عمارت ها که دارای استیل قدیم است و اشیاء عتیقه در آن هست باید نگاهداری بشود مرمت بشود از خطر رطوبت باران و خطر های دیگر مصون بماند و اینها يك قدری پول میخواهد اگر این پولی که اینجا نوشته اند برای این مصرف است و مصرف شده کم است باید پول بیشتری برای این کار منظور کنید که درست تعمیر و نگاهداری شود و مجلس را هم من خیال میکنم که زمینهای را که میفرشید اطراف نیاوران و محل های دیگر باید صرف تعمیر اینها کنید و يك آدم یا سلیقه ای هم برای اینکه اینها طوری قفسه بندی کند تا بلبها و دیگر چیزها را که يك خارجی که میآید مثل انبار رویهم نریخته باشند برای این کار انتخاب کنید ، یکی از اطاق های قصر سلطنتی يك وقتی که ما مور بازرسی بودیم اطافتی نداشتم میرفتیم در همان اطافتهای که تا بلوهای خیلی نفیس از زمان ناصرالدین شاه باقی مانده ، اشیاء بسیار نفیسی بود آنجا ، اخیراً که من دیدم کمیسیون شیرو خورشید سرخ در آنجا تشکیل بود اینها را مثل انبار روی هم ریخته اند اینها باید قفسه بندی شود چون مال مملکت است نباید بگویند چون مال دوره قاجاریه بوده عکس ناصرالدین شاه را نباید بریزند دور خیر اینها مال ناصرالدین شاه نیست مال مملکت است باید نگاهداری شود این فکری که تمام آتار پیرانمان را از بین ببریم و خودمان لایق اینکه يك آتاری خوب و حسابی جای اینها بگذاریم نیستیم این فکر غلط است ما باید آتار گذشتگان را حفظ کنیم خودمان هم لیاقت پیدا کنیم که آتار خوب بگذاریم دوره قدیم فراموش آن قصوری که مال و رسای هست همین جور حفظ بشود و مستحفظ دارد و راهنما در آنجا هست ، میگوید این جا زایشگاه است ، این جا ناهار خوری است آدم تاریخ

گذشته را بیاد ما آورد يك اطافتی من آنجا دیده که يك تاریخ گویائی بود که بیست تا بلو داشت که از این اطاف بزرگتر بود قفسه دائمی بود بیست تا بلو داشت هر کدام عمارت يك قرن صد ساله را نشان میداد که جنگی که دوهزار سال پیش در فرانسه بوده چه جوری بوده ، غالب و مغلوب چه رفتاری با هم میکردند ، این يك تاریخ گویائی بود مبرس بدوره ناپلئون سوار نظامش چه جور بود اینها آتار قدیمه شان را حفظ کرده اند هر چه که نبوده است و افسانه بوده است نقاشی کرده اند و گذاشته اند که دیگران ببینند که اینها بیشتر آدم بوده اند ماها که خیلی بیشتر از اینها آدم بودیم تمام آتاران را داریم خراب میکنیم حالا این جور بی همه چیز شده ایم این مال بی لیاقتی ما است این جمله معتزله بود که عرض کردم ، بودجه مجلسین است که خوب تصویب شده است و من خیلی متأسفم که آقایان سنا توراها نسبت به ما و خودشان و مملکت همیشه بی لطفی کرده اند و از این جا رفتند ممکن بود که در همین جا يك تالار دیگری بسازند که حالا برای ساختن ساختمان پیش بینی شده است باشد و این دو برادر مولود مشروطیت همیشه هم دیگر از آن زدیک هم میدیدند (عبدالرحمن فرامرزی - میترسیدند که يك روزی در را به بندند و راهشان ندهند) اگر قدرتی پیدا شد این در را به بندد دیگر من و شما و این جا و آنجا مثل السوسی است و اگر قدرتی پیدا شد و مردم حامی ما باشند هیچ قدرتی نمی تواند به بندد ( شوشتری - فقط دکترا مصدق این کار را کرد ) يك دستگاهی این جا من می بینم بعد از نخست وزیر این جا نوشته است هزینه شورای عالی اقتصاد ، من در روزنامه ها که مطالعه کردم دیدم که يك مرضی شده است در این مملکت که همه باید همه کاره بشوند يك وزیر هزار پیشه ای داشتیم حالا همه میخواهند هزار پیشه بشوند اینهمه شاگرد که ما در ظرف این چند سال فرستادیم بارویا باید ببیند که کیها تحصیلات اقتصادی داشته اند وقتی که میخواهیم شورای اقتصادی تشکیل بدهیم از اینها برویم دعوت کنیم خواهش کنیم که بیایند کرد هم به نشینند ولی وقتی که حالا بنا شد شورای اقتصاد تشکیل شود بار می بینیم چندتا از وزراء هستند وزراء کار خودشان را نمیتوانند انجام بدهند در شورای اقتصاد هم وارد میشوند ، شورای آمار هم باشد باز آقایان هستند شورای مقصود منصب و مقام است مثل این که در زمان قدیم هم منصب و مقام باشی می دادند من حرفی ندارم ولی اگر مقصود يك قدم مثبت و عملی است باید هر کس را برای هر کاری که ساخته است و تحصیلاتش برای آن کار تناسب دارد او را برای آن

که دولت دارد برای کارهای خودش باو بدهد و کمک خرجی باو بدهد البته وضعیت بهتر از حالا خواهد بود و این دستگاه موقعی که من در آلمان بودم هیچوقت موفق نشدم که صدای این دستگاه را بشنوم از مشهدهم خیلی بزحمت می شنیدم اقداماتی هم که برای اصلاح شده شنیدم که يك ماشینی بوده که من اسمش را درست نمی دانم که آنهم حالا چه شده و چه بلایی به سرش آمده آن هم باید روشن بشود که این دستگاه را دیو با خرابی و خسارت و نفاه کاری که دارد فوایدی ندارد و اگر سیستمش را عوض کنند که ببرد مردم ، نگاهدارد که سبلا و طوفانی و خطری از اینجا متوجهش نشود باید خرجش را بدهد و با تصرف های بیهوده هم نباید گول بخورد پیمان بسته اند ، از یک طرف از وزیر خارجه انگلیس می پرسند که راجع به این چه میگوئی میگوید دولت جلوتر باید بشود ما که ندیدیم اصلاحاتش باید شکلی باشد که سربازها راحت شوند و اطلب بیایند خودشان خدمت کنند نه اینکه سرباز داوطلب در یک مملکت مملکتی که میخواهد آزاد باشد باید داشته باشد و بیشتر هم بوده مع التأسف رفتار و رویه ای در اصول نظام اتخاذ شده که مردک می خواهد صد تومان بدهد و معاف بشود و برود این بودجه راهی شما میبرید بالا بودجه را در ظرف دوسال مقایسه کنید بودجه ۳۳ را با بودجه ۳۵ از دو مقابل بیشتر شده این بودجه ای که در اینجا در این لایحه و این گزارش نوشته شده آن معافیتی که در طبق قانون هست آنرا باید بعد حساب بکنند گمگم می تواند حساب میکند که اشیا ای که قشون لازم دارد آن را بدون پرداخت حقوق گمگم برای حوائج شخصی میتواند وارد کنند اگر يك افسری خواست ساختمانی بکند آهش وسایل زندگیش را برای شخص خودش در صورتیکه ما می بینیم که روزنامه های ما آتانهائی که متین و موقر و با دوام شدند میتوان گفت که خرج عمده شان را همین اعلانها میدهند از آتار بونمان کمتر استفاده دارند و شرح جاری آنها راهمین اعلانات می دهد و اگر اینجا يك مؤسسه و بنگاه عمومی شد و خصوصی دولت نشد که ملعبه سیاست باشد آزاد باشد ، برای مردم هواید اعلانات ما شین خودش را میچرخاند دولت بکند که يك رویه بی ترتیبی خلاف مصاحبت خودش رفتار نکنند ولی بعقیده من اداره کردن دولت نتیجه اش این شده است که جامعه بشری هستم ولی هر کسی يك سهمی دارد در جامعه بشری سهم ما چوب و پول میزندش آن موقع هم میزند ، حالا گرسنه است ، آن موقع هم گرسنه است ، حالا اطینان ندارد شب توی خانه اش بخوابد آن وقت هم ندارد ، برای افریق نمیکنند

تیب دیگر هستند دول سرمایه داری که دول دمکراسی است این دولتیب در دنیا کشمکش هائی دارند این دو موج عظیم که در این اقیانوس خطری دنیا طوفانی است و بهم اصطکاک دارد يك ملتی هستند ، به بحثها در مرز واقع شده اند اینطوفانها و این موجها اینها را میکوبد اینها را خورد میکنند اینها مقدرات با مقدرات دنیا روی هم است نمیشود همه چیزش را خودش تحمل بکند و مرزدار دنیا باشد این نمیشود مرز خرج دارد ، مرز داری بخارج دارد ، مخارج را کی باید بدهد ؟ آن دستگاهی که میخواهد مرز را محکم نگاهدارد که سبلا و طوفانی و خطری از اینجا متوجهش نشود باید خرجش را بدهد و با تصرف های بیهوده هم نباید گول بخورد پیمان بسته اند ، از یک طرف از وزیر خارجه انگلیس می پرسند که راجع به این چه میگوئی میگوید دولت جلوتر باید بشود ما که ندیدیم اصلاحاتش باید شکلی باشد که سربازها راحت شوند و اطلب بیایند خودشان خدمت کنند نه اینکه سرباز داوطلب در یک مملکت مملکتی که میخواهد آزاد باشد باید داشته باشد و بیشتر هم بوده مع التأسف رفتار و رویه ای در اصول نظام اتخاذ شده که مردک می خواهد صد تومان بدهد و معاف بشود و برود این بودجه راهی شما میبرید بالا بودجه را در ظرف دوسال مقایسه کنید بودجه ۳۳ را با بودجه ۳۵ از دو مقابل بیشتر شده این بودجه ای که در اینجا در این لایحه و این گزارش نوشته شده آن معافیتی که در طبق قانون هست آنرا باید بعد حساب بکنند گمگم می تواند حساب میکند که اشیا ای که قشون لازم دارد آن را بدون پرداخت حقوق گمگم برای حوائج شخصی میتواند وارد کنند اگر يك افسری خواست ساختمانی بکند آهش وسایل زندگیش را برای شخص خودش در صورتیکه ما می بینیم که روزنامه های ما آتانهائی که متین و موقر و با دوام شدند میتوان گفت که خرج عمده شان را همین اعلانها میدهند از آتار بونمان کمتر استفاده دارند و شرح جاری آنها راهمین اعلانات می دهد و اگر اینجا يك مؤسسه و بنگاه عمومی شد و خصوصی دولت نشد که ملعبه سیاست باشد آزاد باشد ، برای مردم هواید اعلانات ما شین خودش را میچرخاند دولت بکند که يك رویه بی ترتیبی خلاف مصاحبت خودش رفتار نکنند ولی بعقیده من اداره کردن دولت نتیجه اش این شده است که جامعه بشری هستم ولی هر کسی يك سهمی دارد در جامعه بشری سهم ما چوب و پول میزندش آن موقع هم میزند ، حالا گرسنه است ، آن موقع هم گرسنه است ، حالا اطینان ندارد شب توی خانه اش بخوابد آن وقت هم ندارد ، برای افریق نمیکنند

باید برای مردم فکر نان و آب و کار کرد ، باید تراکتور زیاد کرد ، در مملکت کار تولید کرد مردم معاش داشته باشند زندگی داشته باشند ایرانی بواسطه مذهب اسلام و سابقه شرافت سلطنتی که سالها داشته و افتخار سلطنتش همیشه در ذهنش هست ، در قهوه خانه ها که بروید وقتی قتیبه رستم و اسفندیار برایشان میخوانند کیف میکنند که رستم قانع شده ایرانی هیچوقت نمیتواند فکر کند يك ، تهوری ضد دیانت و شرافت خودش را قبول کند (صاحبصبح است) نشان ، ظلم ، بدبختی ، تعدی موجب میشود که تماشا کنند ، بگوید خانه من که نیست مال یکمشت غارتگر است خانه خودشان است بروند دفاع کنند باید این خانه را خانه خودش بدانند باید زارع يك جفت گاوداشته باشد ، باید زارع چهار جریب زمین داشته باشد که يك مقدار بکارد و بهره برداری کند ، عنوان نو گری را باید دور انداخت ما اگر رجالی داشته باشیم که نو کار چیزیها باشند ایرانی را بخواهند همه خودشان کنند این در حقیقت نیست و مملکت آقائی و آزادی نخواهد داشت باید آن زارع آزاد باشد تدفیع از مرز و بوم خودش بکند ، باید از آن راه وارد شویم والا سربیزه را يك قدری زرق برقیش بدهیم این فایده ندارد باز ورهیب کاری پیش نمیروند با فکر است که دنیا عوض میشود در ۱۳۰۰ سال پیش يك بچه بیبی که سواد نداشت در جزیره العرب که مردمش وحشی بودند ، دخترانشان را زیر گل میگردند برای عصبیت که داشتند و لجاجتی که داشتند ، يك بچه بیبی يك فکر مقدسی آورد دنیا را عوض کرد ، دنیا را با فکر باید عوض کرد با سربیزه نمیشود عوض کرد ، صاحب آن فکر که آمد دو امپراطوری بزرگ در دنیا بود یکی ایران و یکی روم ، هر دو را برانو در آورد فکر که مال ایران است (صاحبصبح است) و غصباً اینها درش دخالت میکنند ، برود ، این وضعیت بازار ما بمنزل نمیرساند ، کسی که دزد خانه من هست این هم عهد من باشد بار من را بمنزل نمیرساند ، میآید يك چیز را از منزل من بلند میکنند این بار بمنزل نمیرسد ، باید يك فکر اساسی بکنیم ، دنیا يك دنیای بزرگی است و در این اقیانوس خطرناک عظیمی که هست ما نباید سر خودمان را زیر برف بکنیم و هیچ جا را نبینیم و نو کر مآبی راشعار خودمان قراز بدهیم ، خیر ایرانی آقا است اگر بخواهند منافع و مصالح دنیا را ما این جا تا همین کنیم در صورتی است که دنیا هم با ما مساعد و موافق باشد والا بطور نو گری بار بمنزل نمیرسد يك ملت گرسنه برایش فرق میکند موافق باشد و یا دمکراسی باشد حالا گرسنه است ، آن موقع هم گرسنه است ، حالا







داشته ولی از آن نظر من رأی من اینست که ممالک کوچک که در ایران در ممالک بزرگ هستند اینها را باید در خودشان برای خودشان روانه باشند خارج جایی که اجازه در ایران هستند در این کشورجائی مختلف نمایند گانند با هم يك ملاقاتها يك ملاقات و يك معاشرت هائی دارد يك هم آهنگی هائی هم ممکن است با هم داشته باشند آن کوچکها میروند و امتحان میکنند اسمش را چاسوسی نمیگذارم ، میروند کسب خبر میکنند ، میروند اطلاعاتی کسب میکنند و بزرگ آنها میگویند و آن ها استفاده میکنند . چون خودشان وسیله ندارند که استفاده میکنند حالا سفارت فلان

هنگامی که بفرستد اگر تابع يك پادشاه بزرگتری است در مملکت ما - قارتظامه هائی هستند که تابع سفارت بزرگتری هستند اینها هم دعوت میکنند اینها هم انجمن های فرهنگی دارند روابط و معاشرت هست ولی میبینیم که همه اینها بالاخره نتیجش عاید مسکو و وانگن و لندن شده است ، خرج ز این دول کوچک میدهند ولی استفاده سیاسی را دور بزرگ برده اند . وزارت خارجه ما مثل سایر ممالک است و چیز دیگری نیست يك بهیشتی دارد و اسباب تأثیر است که هر چه چا رتقم نیز از اثر مندگی چیزی برای من نشده می دیدم که يك مأموری از تهران فرستادند اگر يك زندگی شخصی داشته است می تواند یک قدری آبرو مند زندگی کند که خانه

با او و تنه اش را بفروشد و خرج کند که بیش مأمورین هم قطار خودش مفتضح نباشد يك چیزی ولی آن بدبختانی که باید با بودجه تهران زندگی بکنند اسباب آبروریزی است آبرو بدتر است این بجای اینکه آبرو برای مملکت تحصیل کند ضرر دارد ایندستگاهی که هست ایندستگاه وزارت خارجه بجای اینکه کار برای اشخاصی که سریشان یا با بچه هایشان میخواهند بروند بگرداند يك کاری است برای يك عدم معنوی بد نیست . این وزارت خارجه خوب است برای چند خانواده و برای چند دسته عیبی ندارد ، ولی برای مملکت يك شاهی نمبارزد و هر کدام بی اراده تر می تصمیم تر ، بوقلمون تر ، و بهر رنگی زود تر

وارد شدند اینها دوامشان در این وزارت - خانه و ثرقی و ترفیع و مقامشان بیشتر است .

**۳- تعیین موقع و دستور جلسه بعد . ختم جلسه**

**نایب رئیس** - آقای حاضر براده جلسه را ختم میکنم چون مطابق آئین نامه باید ساعت جلسه داشته باشیم اینجلسه دو ساعت و نیم طول کشید دو ساعت و نیم هم بعد از ظهر است ساعت پنج بعد از ظهر جلسه خواهیم داشت .

(مجلس بکریع بعد از ظهر ختم گردید)

نایب رئیس مجلس شورای ملی - **اردلان**